

کردستان

ارگان کیمت مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران

تأمین حقوق ملی خلق کرده در چهارچوب ایرانی دمکراتیک و فدرال

شماره ۶۹۳، پنجشنبه ۳۰ دی ۱۳۹۵، ۱۹۰ ژانویه ۲۰۱۷، ۵۰۰ تومان



مرگ یک جلا
دفورمیست

۵



حزب دمکرات: تاریخ
بشریت، زندگی رفسنجانی
را با لکه‌ی سیاهی
ثبت خواهد کرد

۴



حسن شرفی: راسان
به معنای حضور مداوم
و گسترده‌ی پیشمرکه
در داخل کردستان ایران
است

۲



مصطفی هجری: مردم کرد،
رفسنجانی را یکی از مجریان
طرح ترور دکتر فاسملو و
دکتر شرفکندی می‌دانند

۲

سفن

راسان و شار

کریم پرویزی

شهر در معنای عام خود و در واقع، زیستگاه روزانه و معمولی مردمان کردستان است که خاستگاه اصلی خیزش و "راسان" ملتمان است. در واقع شعله‌های قیام در "شاخ" زبان‌ه می‌کشد و در "شار" توان و نیرو می‌گیرد و گسترش می‌یابد. ملت کرد در "روژه‌لات" حضور مستمری در تجربیات متنوع سیاسی و مبارزه داشته‌اند و هر قشر و طبقه‌ای در توان و امکان خود در قیام رهایی بخش سرزمین‌شان حضور داشته و نقش ایفا کرده‌اند. طی سال‌های برقراری جمهوری کردستان، حزب دمکرات از درون بافت شهری و با همت دلسوزان و عالمان ملتمان سر برآورد و شهرهای کردستان را به گونه‌ای مدرن وارد عرصه‌ی قیام و خیزش کرد و به مانند پایگاه مهمی از قیام مدرن به ایفای نقش پرداخت که متأسفانه چندان به درازا نکشید. در سال‌های قیام ملیت‌های ایران علیه نظام پهلوی نیز، کردستان به تمام معنا توانست نیروی اصلی خود را در درون شهر به خیابان‌ها بکشد، همچنین در دوران ظلم و جور و هجوم وحشیانه‌ی "پاسداران خمینی" این مردمان شهر و روستا بودند که با حضور خود در قیام، صفوف مبارزین را محکم‌تر کردند و کوچه و خیابان را به سنگر مقاومت و دفاع بدل کردند تا از این طریق بتوانند به حمایت از پیشمرگه بپردازند. همین مردمان شهر و روستا بودند که بعدها -طی درگیری‌های پارتیزانی- به حمایت گسترده و راهنمایی نیروهای پیشمرگه در مراحل مختلف پرداختند. بعد از توقف جنگ مسلحانه نیز، شهرهای کردستان نقش اصلی و بنیادی را در حفظ اراده و روحیه قیام و خیزش برعهده داشتند و به شیوه‌های مختلف و گوناگون از جمله تشکیل و حضور در انجمن‌های متعدد فرهنگی، مدنی و نیز راهپیمایی و تظاهرات ضد حکومتی اراده و توان توان ملی کردها در قیام برحقشان را نشان داده و موجب ترس دشمنان سرزمین‌مان شده‌اند. در مرحله‌ی نوین قیام و طی "راسان روژه‌لات"، مبارزات نیروهای پیشمرگه و نقش کردهای مهاجر و مردمان شهر و روستاهای کردستان،

ادامه در صفحه‌ی ۶

پایان عصر اوباما



روسیه مخالفان مسلح اسد را به نشست آستانه دعوت کرد

روسیه از همه گروه‌های مسلح مخالف بشار اسد که ارتباطی با داعش یا جبهه النصره ندارند، دعوت کرد در گفتگوهای صلح که در آستانه پایتخت قزاقستان برگزار می‌شود، شرکت کنند. سرگئی لاوروف اعلام کرد کشورش با حضور جیش‌الاسلام که به تازگی به آتش‌بس پیوسته، مخالفتی ندارد. لاوروف گفت: نمایندگان هر یک از گروه‌های مسلح که در نشست آستانه حاضر شوند، هیأت مذاکره‌کننده گروه خود را تشکیل خواهند داد. او ادامه داد: فهرست مشارکت‌کنندگان نشست آستانه به زودی مشخص خواهد شد، لیکن همگان از جمله ایالات متحده آمریکا امکان شرکت در این گفتگوها را دارند. از سوی دیگر گروه احرار الشام اعلام کرد با حضور هیچ یک از گروه‌های مسلح در این نشست



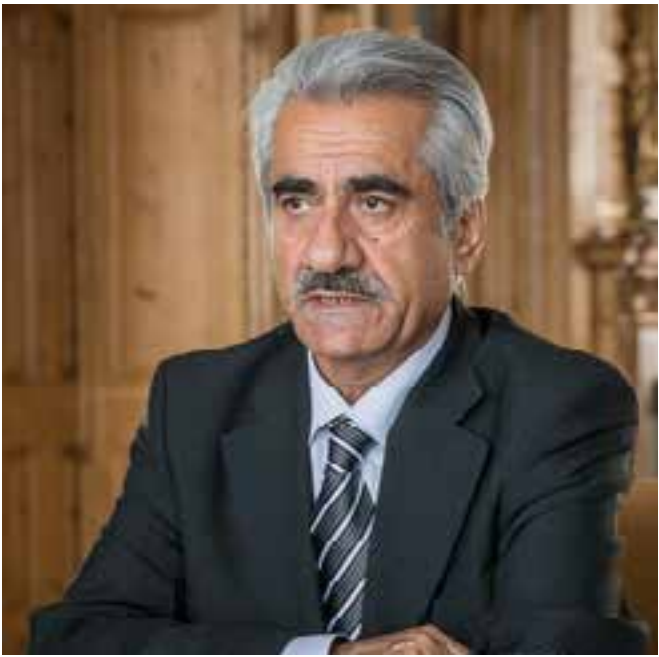
سامانتا پاور، سفیر دولت اوباما در سازمان ملل، در آخرین نشست خود در شورای امنیت پیش از آنکه جای خود را به سفیر دولت ترامپ بدهد، خواستار مقابله با عملکرد رژیم ایران در ایجاد بی‌ثباتی در منطقه خاورمیانه شد. بی‌ثباتی در منطقه خاورمیانه ۲۹ دی ماه، خواستار حفظ تحریم‌های

سیاست‌های آمریکا در تعامل با رژیم ایران باشیم، گفت: "شکی در این نیست که تغییراتی ایجاد خواهد شد. رئیس‌جمهور منتخب آمریکا توافق هسته‌ای با حکومت ایران را به سود امنیت ملی آمریکا نمی‌داند. این توافق، آمریکا را از شرکای عرب خود در منطقه دور کرده که یک نگرانی است. در آینده شاهد نزدیکی بیشتر کشورهای عربی خلیج و واشنگتن خواهیم بود". در همین حال، باراک اوباما نیز در پیام خداحافظی خود به عنوان رئیس‌جمهور آمریکا گفت: "من بهترین مشورت‌ها را در اختیار دونالد ترامپ قرار دادم، لیکن پیش‌بینی می‌کنم او چیزهایی را که وعده داده بود انجام خواهد داد". معمولاً اگر رئیس‌جمهوری جدید از حزب رقیب جانشین رئیس‌جمهوری فعلی شود، ابتدای کارش را با لغو فرمان‌های مهم رئیس‌جمهوری قبلی آغاز می‌کند.

سفیر آمریکا در سازمان ملل، خواستار فشار بر ایران شد

نمونه آمریکا و شماری از متحدان آن در خاورمیانه، حزب‌الله لبنان را یک "گروه تروریستی" می‌دانند؛ گروهی که رژیم ایران متحد و حامی اصلی آن است. کشورهایی مانند اسرائیل مؤکداً گفته‌اند جلوی هرگونه ارسال سلاح از سوی ایران برای این گروه را می‌گیرند. سامانتا پاور گفته است: "ما در این شورا لازم است در کنار هم ایران را مجبور کنیم، تن به اجرای کارآمد تعهداتش در ارتباط با قطعنامه ۲۲۳۱ بدهد. به‌ویژه اعمال محدودیت‌ها در مورد صادرات تسلیحات و موارد مشابه، اجرا شود". خانم پاور تا دو روز دیگر جای خود را به خانم نیکی هیلی، نامزد پیشنهادی دونالد ترامپ برای نمایندگی این کشور در سازمان ملل، می‌دهد. برای واشنگتن بهتر است توافق اتمی ایران را مورد "بازبینی" قرار دهد.

مصطفی هجری: مردم کرد، رفسنجانی را یکی از مجریان طرح ترور دکتر قاسملو و دکتر شرفکندی می‌دانند



دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران طی مصاحبه‌ای با رادیو دویچه‌وله فارسی از اختلافات و شکاف‌های عمیق میان جناح‌های رژیم پس از مرگ رفسنجانی خبر داد.

مصطفی هجری دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران در این مصاحبه اظهار داشته است: "رفسنجانی یکی از ستون‌های اصلی جمهوری اسلامی ایران و یکی از آمرانی بود که دستور قتل رهبران حزب دمکرات کردستان ایران را صادر کرد."

آقای هجری می‌گوید: "کسانی که قربانی ترورها و قتل‌های زنجیره‌ای در ایران هستند هیچوقت رفسنجانی و بقیه سران جمهوری اسلامی را

نخواهند بخشید تا زمانی‌که این قاتلان در یک دادگاه عادلانه مثل دادگاه برلین محاکمه نشوند."

دبیرکل حزب دمکرات در ادامه می‌افزاید: "مردم کرد، رفسنجانی را به عنوان یکی از مجریان طرح ترور دکتر قاسملو و دکتر صادق شرفکندی می‌دانند و کردهای ایران هیچوقت این جنایات را فراموش نخواهند کرد."

مصطفی هجری در پایان این مصاحبه به عواقب پس از مرگ رفسنجانی اشاره و اعلام کرده است: "فقدان رفسنجانی تأثیرات منفی در آینده نظام جمهوری اسلامی خواهد داشت. چون دیگر شخصیت بانفوذ و نزدیک به خامنه‌ای وجود نخواهد داشت و این

در میان گروه‌های مختلف جمهوری اسلامی ایران اختلافات و شکاف‌ها را بیشتر خواهد کرد، چون کس دیگری نیست که راه حلی برای این اختلافات پیدا کند."

از دیگر سو، شاهو حسینی، نماینده حزب دمکرات کردستان ایران در اروپا نیز در گفتگو با دویچه‌وله فارسی در رابطه با مرگ رفسنجانی گفت: "پرونده ترور میکونوس از نظر تاریخی و وجدان بیدار مردمی هیچوقت با مرگ رفسنجانی فراموش نخواهد شد."

روز یکشنبه نوزدهم دی‌ماه، اکبر هاشمی رفسنجانی، رئیس مجمع تشخیص مصلحت رژیم و یکی از آمرین ترورهای وین و میکونوس با مرگ خود جهانی را آسوده ساخت.

دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران طی بیانیه‌ای در رابطه با مرگ رفسنجانی اعلام نمود: تاریخ بشریت، زندگی رفسنجانی را با لکده سیاهی ثبت خواهد کرد.

در این بیانیه آمده است: اگر زندگانی رفسنجانی را ستونی برای بقای رژیم و تداوم جنایات آن در نظر بگیریم، نابودی این ستون نیز در آینده تأثیرات خاص خود را بر رژیم خواهد داشت. امیدواریم که سایر سران این رژیم در یک دادگاه عادلانه‌ی مردمی مورد محاکمه قرار گیرند و پرونده‌ی تمامی جنایات آنان برای مردم رو شده و به سزای اعمال ضد بشری خویش برسند.

هیأت حزب دمکرات در سمینار استقلال کردستان شرکت کرد

اتحاد نیروهای سیاسی کردستان، توانایی اقتصادی و چند نکته‌ی اساسی دیگر را تضمین‌کننده‌ی حفظ و تداوم این تجربه و فرصتی مناسب برای ملت کرد ارزیابی نمود. در سمینار مزبور، آقای محمد نظیف قادری، عضو دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران نیز در بخش پیشنهادات و نظرات حاضران، دیدگاه‌ها و مواضع حزب دمکرات در رابطه با استقلال کردستان را تشریح نموده و اظهار داشت ما در تمامی مراحل، پشتیبان منافع و مصالح عالیه‌ی ملت کرد بوده و خواهیم بود.

برگزار شده بود، شرکت کرد. در این سمینار، دکتر هوشمند علی به تشریح جوانب مختلف تاریخ معاصر ملت کرد و نقاط ضعف و قوت حکومت‌های گذشته و حال کردستان از جمله حکومت ملک محمود، جمهوری کردستان و حکومت اقلیم کردستان پرداخت. در بخش دیگری از این سمینار، دکتر هوشمند علی اوضاع و احوال کنونی مبارزات و تلاش‌های ملت کرد به ویژه در اقلیم کردستان عراق را به تفصیل شرح داد و در صورت اعلام استقلال کردستان، حمایت بین‌المللی،

هیأتی از حزب دمکرات کردستان ایران در سمینار "احتمال اعلام دولت مستقل کردی" که در دانشکده‌ی فنی "هیبت سلطان" شهر کویه برگزار شد، شرکت کرد. روز یکشنبه، ۲۶ دیماه ۱۳۹۵ خورشیدی، هیأتی از حزب دمکرات کردستان ایران به سرپرستی محمد نظیف قادری، عضو دفتر سیاسی حزب در سمیناری تحت عنوان "احتمال اعلام دولت مستقل کردی" که به همت تشکل "رشد جوانان کردستان" برای پروفیسور دکتر هوشمند علی

حسن شرفی: راسان به معنای حضور مداوم و گسترده‌ی پیشمرگه در داخل کردستان ایران است



نیست، در این صورت، با چه کسی و بر سر چه چیزی مذاکره کنیم؟" آقاش شرفی در ادامه‌ی سخنان خویش در رابطه با راسان کردستان ایران افزود: "راسان به معنای حضور مداوم و وسیع پیشمرگه در داخل کردستان ایران به منظور پشتیبانی از مبارزات مردم علیه رژیم جمهوری اسلامی ایران است. زیرا در رویارویی با رژیم جمهوری اسلامی ایران، هر گونه مبارزه‌ای حتی در نرمترین اشکال آن نیز هزینه‌بردار است، به همین دلیل در رویارویی با چنین رژیمی، حزبی که بانی و عامل راسان است، طبیعتاً هزینه خواهد داد و فراتر از آن، در این راه حتی قربانی و شهید خواهد داد." ایشان سپس در رابطه با راسان به این مسأله اشاره نمود که راسان، برخاسته از اراده‌ی مردم کردستان ایران و رهبری حزب دمکرات کردستان ایران است، به همین دلیل، شبهات مطرح شده در این باب را که گویا راسان پیامد و ساخته‌ی دست‌های بیگانه است، قاطعانه رد می‌کنیم."

آقای شرفی در ادامه‌ی سخنان خویش در رابطه با راسان و هماهنگی با سایر احزاب سیاسی افزودند: "از همان ابتدای راسان، ما با تمامی احزاب دیدار و نشست داشتیم، پس از آغاز راسان نیز روابط و نشست‌هایمان با بخش زیادی از احزاب ادامه داشته و از آنان خواسته‌ایم که به هر نحو ممکن از راسان حمایت کنند. این درخواست حمایت لزوماً جنبه‌ی نظامی نداشته و از آنان خواسته‌ایم که به هر نحوی که برایشان امکانپذیر است، از این خیزش پشتیبانی کنند." در بخش دوم سمینار، تعدادی از حضار به مطرح کردن نظرات، دیدگاه‌ها، پیشنهادات و انتقادات خود در رابطه با راسان کردستان ایران و اوضاع سیاسی ملت کرد پرداختند که جانشین دبیرکل ایرانی هستیم. به همین دلیل پاسخ ما به کسانی که از گفتگو و مذاکره با رژیم سخن می‌گویند، نه خواهد بود. زیرا اساساً رژیم هیچ اعتباری برای حقوق و خواست‌های ما قائل

سمیناری تحت عنوان راسان "روژه‌لات" برای حسن شرفی، جانشین دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران، در کشور سوییس برگزار شد. روز یکشنبه ۱۹ دیماه ۱۳۹۵ خورشیدی در شهر "زوریخ" سوییس سمیناری تحت عنوان "راسان روژه‌لات"، وظایف و احتمالات با شرکت جمع کثیری از کردهای مقیم سوییس و نمایندگان احزاب و جریانات سیاسی، برای آقای حسن شرفی برگزار شد. سمینار با اجرای سرود ملی کردستان و یک دقیقه سکوت جهت گرامیداشت یاد شهیدان ملت کرد آغاز گردید. سپس کامران رسولی، مسئول کمیته‌ی سراسری حزب دمکرات در سوییس در رابطه با موضوع سمینار، توضیحاتی ارائه داد. سپس آقای شرفی به ایراد سخن در این باب پرداخت و در رابطه با مسأله‌ی کرد به طور کلی اظهار داشت: "ما کردها یک ملت هستیم و کردستان یک سرزمین واحد است. دشمنان، ما را از یکدیگر جدا نموده‌اند و هنگامی که حقوق خویش را مطالبه می‌کنیم، ما را به جدایی‌طلبی متهم می‌کنند." در رابطه با مسأله‌ی استقلال کردستان، آقای شرفی اظهار داشت: "ما به عنوان حزب دمکرات حمایت تمام و کامل خود را از مسأله‌ی استقلال کردستان اعلام می‌کنیم و بر این باوریم که حکومت اقلیم کردستان برای برداشتن گام‌های جدی به سوی استقلال، بایستی عامل اقتصادی، حمایت بین‌المللی و

هیأتی از اتحادیه‌ی میهنی از دفتر سیاسی حزب دمکرات دیدار کرد



مسأله‌ی کرد در کردستان ایران و اوضاع سیاسی ایران مورد بحث و بررسی قرار گرفت. دو طرف بر این باور بودند که اگر ملت کرد اتحاد و انسجام خود را حفظ نماید و احزاب سیاسی با اتحاد به سوی تحولات سیاسی گام بردارند، بدون تردید به اهداف سیاسی و ملی خویش نائل خواهند شد و این اشتراک مواضع سبب خواهد شد که دوستان ملت کرد نیز به آن کمک کنند. در خاتمه‌ی دیدار نیز طرفین بر لزوم تداوم و تحکیم روابط فیما بین تأکید نمودند.

دفتر سیاسی مورد استقبال قرار گرفت. در این دیدار، اوضاع سیاسی کردستان، جنگ داعش و نقش مؤثر ملت کرد و فداکاری‌های نیروی پیشمرگه مورد بحث قرار گرفت. در ادامه، طرفین به بحث و تبادل نظر پیرامون تلاش‌های اخیر میان احزاب و نیروهای سیاسی اقلیم کردستان، به ویژه میان اتحادیه‌ی میهنی و پارت دمکرات کردستان پرداخته و این تلاش‌ها را مثبت ارزیابی نمودند. در بخش دیگری از این دیدار،

هیأت‌های دفتر سیاسی حزب دمکرات و اتحادیه‌ی میهنی در مقر دفتر سیاسی حزب دمکرات با یکدیگر دیدار کردند. روز جمعه، ۲۴ دیماه ۱۳۹۵ خورشیدی، هیأتی از دفتر سیاسی اتحادیه میهنی کردستان متشکل از ارسلان پایز و سعدی احمد پیره، اعضای دفتر سیاسی و ماموستا بکر، عضو رهبری این حزب ار دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران دیدار نمود و از سوی هیأت حزب به سرپرستی مصطفی هجری، دبیرکل حزب و جمعی از اعضای

یک پایگاه نظامی رژیم در بانه، آماج حمله‌ی عقاب‌های زاگرس قرار گرفت



اطلاعه‌ی خود به این موضوع اشاره می‌کند که: به منظور دفاع برحق از امنیت ملت کرد در جای جای خاک کردستان، تا بیرون راندن کامل نیروهای ضدبشری و سرکوبگر و اشغالگران خاکمان، بر فعالیت‌های خود مصر و مستمر خواهیم بود و هیچ تهدیدی را علیه خاک و ملتشان بدون جواب نخواهیم گذاشت.

ایران در شهر بانه را مورد هجوم قرار دادند که در باره تعداد کشته‌ها و زخمیان این درگیری اطلاعات مشخصی در دست نیست. اطلاعاتی مذکور که خطاب به افکار عمومی منتشر شده، هدف از این عملیات را وارد کردن ضرب‌ای نظامی به مقرها و پایگاه‌های نظامی-تروریستی رژیم ضد بشری ایران معرفی کرده است. "عقاب‌های زاگرس" در پایان

ویلاک "عقاب‌های زاگرس" طی اطلاعاتی از عملیات نظامی تیم‌های این سازمان علیه پایگاه‌های تروریستی رژیم ایران در محله "صالح آباد" بانه خبر داد. "عقاب‌های زاگرس" در این باره اعلام کردند که در ساعت ۳ نیمه شب شنبه، ۱۷ دی ۱۳۹۵ شمسی، تیم‌های نظامی این سازمان طی هجومی فراگیر یکی از پایگاه‌های نظامی-تروریستی رژیم اسلامی

دکتر نجم‌الدین کریم از دفتر سیاسی حزب دمکرات دیدار کرد



از مقر دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران دیدار کرد و از سوی مصطفی هجری، دبیرکل و جمعی از اعضای رهبری حزب دمکرات به گرمی مورد استقبال قرار گرفت. در این دیدار دوستانه، اوضاع سیاسی ملت کرد و تحولات کردستان، سیاست هم‌پیمانان در

دکتر نجم‌الدین کریم، استاندار کرکوک و عضو دفتر سیاسی اتحادیه‌ی میهنی کردستان از مقر دفتر سیاسی حزب دمکرات دیدار نمود. صبح روز پنجشنبه ۱۶ دیماه ۱۳۹۵ خورشیدی، دکتر نجم‌الدین کریم، استاندار کرکوک و عضو دفتر سیاسی اتحادیه‌ی میهنی کردستان

عفو بین‌الملل: ایران باید "خشونت قانونی شده" علیه جوانان را متوقف کند



تعداد موتورسیکلت‌های مصادره شده توسط نیروی انتظامی در گزارش خود روز ۵ ژانویه در شهر نجف آباد استان اصفهان ۴۰ ضربه شلاق خورد. راندا حبیب از مسئولان بخش خاورمیانه سازمان عفو بین‌الملل گفت: "این تعرض‌های تکان‌دهنده به حرمت انسانها نقض صریح قوانین بین‌المللی در ممنوعیت به کارگیری شکنجه و سایر اشکال بدرفتاری و آزار روحی و جسمی است." عفو بین‌الملل برای تهیه گزارش خود تجارب زنان ایرانی را که می‌گویند توسط مأموران انتظامی

سازمان عفو بین‌الملل روز چهارشنبه ۲۹ دی در بیانیه‌ای گفت، جوانان در ایران تحت نظام "خشونت قانونی شده" به خاطر خوردن غذا در ماه رمضان و یا شرکت در مهمانی‌های مختلط شلاق زده می‌شوند. عفو بین الملل در بیانیه خود "استفاده گسترده" از تنبیهات جسمی را محکوم کرده و آمار و اطلاعاتی را که در مورد اجرای این نوع مجازات‌ها جمع آوری کرده گنجانده است. در یکی از مواردی که در بیانیه به آن اشاره شده یک روزنامه‌نگار به خاطر اشتباه در



این فعال سیاسی باسابقه و از رهبران جناح اکثریت فداییان خلق که علیرغم مواضع زیبنانه‌ی خود و حزبی در همدلی با سیاست‌های رژیم، شاهد اعدام و کشتار بسیاری از هم‌حزبی‌های خویش توسط رژیم و به دستور همین رفسنجانی و همقطارانش بوده است، ضمن بی‌اعتنایی به تمامی خون‌های ریخته‌شده می‌نویسد: "برایم یقین است که وجدان آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به هنگام آخرین بازدم‌ها، وجدانی ناآرام و خوف‌زده نبوده است. زیرا برای او یقین بوده است که قاطبه مردم کشورش، که او آن‌ها را در این ۸۲ سال هرگز تنها نگذاشت، هاشمی رفسنجانی را در پایان کار یار و مددکار خود برای عبور از گردنه‌های سخت خواهند شناخت." نگهدار در خاتمه برای آن که از قافله‌ی توابعین و جیره‌خواران رژیم در خارج از کشور جا نماند، می‌نویسد: "همراه و هم‌زمان با میلیون‌ها شهروند کشورم، فقدان آقای هاشمی را به خانواده محترم تسلیت گفته برای ایشان آرزوی صبر دارم".

رفسنجانی در بیرون‌کشیدن جمهوری اسلامی از هیمنه‌های به‌جامانده از انقلاب و جنگ مدبر نبود... با تدبیر او و با اعتماد اکثریت مردم به او بود، که ایران پس از آیت‌الله خمینی، به سوی صلح و سازندگی و ثبات ره یافت." این فعال سیاسی چپ در ادامه و در جایی که به خیال خود به نقد رفسنجانی می‌پردازد، در دام تمجید از رژیم افتاده و با این ادعا که بخشی از رژیم مردمگراست، می‌گوید: "هاشمی در میانه دهه ۶۰ به جایگاه محافظه‌کاران در جمهوری اسلامی پر بها داد (یا تن داد) و بخش مردم‌گرای نظام را به حاشیه راند." نامبرده در ادامه ضمن ستودن کارنامه‌ی سیاسی این جنایتکار بزرگ، آن را آیینی عبرت برای کسانی خواند که: "عزم دارند نه فقط مثل قربانیان سربلند به پایانه راه ره یابند، بلکه در برون بُرد کشور از غرقاب‌ها سهمی شایسته‌ی جایگاه خویش بر عهده گیرند." وی در ادامه‌ی شیون‌نامه‌ی خود می‌نویسد: "هاشمی جانی از همین جنس بود، جانی تنومند بود، از جنس ایران و در مسیر زمان".

مرگ ناگهانی رفسنجانی، عامل اصلی بسیاری از جنایات جمهوری اسلامی، بسیاری از اپوزیسیون‌نماها را نیز در داخل و خارج از ایران به مرثیه‌خوانی واداشته است. در همین رابطه، فرخ نگهدار، فعال سیاسی سرشناس چپ طی مقاله‌ای در وبسایت زیتون به تجلیل از شخصیت و اقدامات ضدبشری این زمامدار جنایتکار رژیم پرداخته و نسبت به آینده‌ی رژیم پس از مرگ وی شدیداً ابراز نگرانی نموده است. در ابتدای این مقاله تحت عنوان "شاگرد زرنگ انقلاب"، فرخ نگهدار نوشته است: "رفتن هاشمی خبری تلخ بود برای آنان که در این ویرانه دنیای هراس‌زده، به تدبیرها و تجربه‌های خیرخواهان ایران چشم دارند تا مبادا باز کشور را به غرقاب‌های تازه درغلند." وی در ادامه ضمن تجلیل از نقش رفسنجانی در بقای رژیم، جنایات پیشمار وی علیه آزادیخواهان و مردم را "تدبیر" خوانده و خفقان و سرکوب‌های رژیم را "صلح و سازندگی و ثبات" نامید و افزود: "به‌راستی هیچ‌کس به اندازه

شلاق خورده‌اند، بررسی کرده است. عفو بین‌الملل در گزارش خود می‌افزاید در پرونده مردی که به جرم کور کردن یک دختر چهارساله با پاشیدن اسید به قصاص محکوم شده است. پزشکان توصیه‌های "کارشناسی" خود برای کور کردن مجرم را در اختیار دیوان عالی کشور قرار داده‌اند. این نهاد حداقل اجرای چهار مورد از مجازات قطع عضو در مورد جرایم مربوط به سرقت در ایران را ثبت کرده است و می‌گوید این موارد قطع انگشتان و شصت دست و یا پای افراد در دو سوی بدن مجرمان را شامل می‌شود. طبق قوانین قضایی رژیم ایران، در مورد افرادی که جرایمی نظیر سرقت، حمله فیزیکی، تخریب اموال، هتک حرمت و کلاهبرداری مرتکب شده باشند و یا افرادی که روابط جنسی خارج از حریم ازدواج برقرار کنند، مجازات شلاق اجرا می‌شود.

اوباما تحریم‌های اقتصادی علیه رژیم ایران را تمدید کرد

در سال ۲۰۰۹ میلادی تحریم‌های اقتصادی از سوی ایالات متحده آمریکا علیه رژیم ایران تصویب شد که طی آن شماری از اشخاص، شرکت و مؤسسات این رژیم مورد تحریم قرار گرفتند. دونالد ترامپ در زمان تبلیغات انتخاباتی خود اعلام کرده بود که برجام را مورد بازبینی قرار داده و تأکید کرده بود که مهمترین اولویتش در کاخ سفید برجیدن توافق هسته‌ای آمریکا با ایران خواهد بود. وی معتقد است که این توافق برای آمریکا و اسرائیل یک فاجعه بوده است.

وی در بخشی دیگر از سخنان خود اعلام کرد که آزمایش موشک‌های بالستیک از سوی رژیم ایران نقض تحریم‌ها محسوب می‌شود. پیشتر خبرگزاری "رویترز" طی گزارشی اعلام کرد بود که مجلس نمایندگان آمریکا تحریم‌های اقتصادی علیه رژیم ایران را به مدت ۱۰ سال دیگر تمدید کرده است. مسئولان ارشد آمریکا در همین حال از اعمال تحریم‌های بیشتر سخن به میان آورده‌اند چرا که وجود پول در دست ایران را تهدیدی برای امنیت جامعه جهانی و به ویژه منطقه قلمداد می‌کنند.

باراک اوباما، رئیس جمهور آمریکا در آخرین لحظات پایانی ریاست جمهوری خود از برجام سخن به میان آورد و بر اعمال تحریم‌ها علیه رژیم ایران تأکید کرد. بر اساس گزارش‌های منتشره، باراک اوباما با انتشار بیانیه‌ای به اقدامات مخل ثبات رژیم ایران در خلیج و سوریه و تهدید ایران علیه اسرائیل اشاره نمود و تأکید کرد که به دلیل نقض حقوق بشر، حمایت از تروریسم و ادامه برنامه‌ی موشکی بالستیک از سوی ایران، بخشی از تحریم‌های آمریکا علیه ایران حفظ و قاطعانه اعمال خواهد شد.

حزب دمکرات: تاریخ بشریت، زندگی رفسنجانی را با لکه‌ی سیاهی ثبت خواهد کرد



دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران در رابطه با مرگ رفسنجانی، یکی از ستون‌های اصلی و از طراحان و آمران جنایات رژیم ایران بیانیه‌ای صادر نمود. متن برگردان فارسی این بیانیه در زیر آمده است: مرگ هاشمی رفسنجانی فروریختن یکی از ستون‌های اصلی جمهوری اسلامی -خبر مرگ ناگهانی رفسنجانی -رئیس مجمع تشخیص مصلحت رژیم جمهوری اسلامی- از سویی مایه‌ی شادمانی تمام آزادیخواهان حقیقی و ملیت‌های تحت ستم ایران بود و از سوی دیگر جای بسی تأسف است که وی به عنوان آمر جنایت‌هایی همچون سرکوب، شکنجه، اعدام و جنایت علیه بشریت در یک دادگاه خلقی مورد محاکمه قرار نمی‌گیرد تا تمام زوایای تاریک و ضدبشری این رژیم افشا شود و جانیان و مجرمان به سزای واقعی جنایاتشان برسند. روز یکشنبه، ۱۹ دی ماه، پزشکان بیمارستانی در تهران توانستند به داد علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی -رئیس مجمع تشخیص مصلحت رژیم و رئیس پیشین مجلس خبرگان و رئیس اسبق مجلس شورای اسلامی و رئیس جمهور اسبق رژیم و صاحب ده‌ها مسئولیت و سمت دیگر در رژیم جمهوری اسلامی- برسند و نهایتاً به دلیل ایست قلبی، از دست دادگاه عادلانه‌ی خلقی گریخت، اما با تمام این اوصاف، تاریخ بشری، شرح زندگانی او را با لکه‌ای سیاه ثبت خواهد کرد. علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی که یکی از ستون‌های اصلی رژیم جمهوری اسلامی بود، طی دوران فریبکاری‌های خمینی و پنهان کردن چهره‌ی واقعی آن سرچشمه‌ی ظلم و استبداد و تمامیت‌خواهی، دست راست وی بود و از شخصیت‌های بسیار نزدیک به خمینی به حساب می‌آمد که در به تاراج بردن دستاوردهای انقلاب ملیت‌های ایران نقش دوم را بر عهده داشت و نیز از اعضای شورای به اصطلاح انقلاب بود که خمینی آن را برای به انحراف کشاندن انقلاب ملیت‌های ایران تأسیس کرده بود و بعد از کشته شدن باهنر و بهشتی، به شخص اول این شورا بدل شد. وی همچنین عامل پاکسازی تمام گروه‌های حاضر در انقلاب نیز بود که متأسفانه برخی از این سازمان‌ها خود یاری‌دهنده‌ی جمهوری اسلامی در پاکسازی گروه‌های دیگر بودند تا اینکه سرانجام قرعه‌ی فال به نام خود آنان نیز زده شد. رفسنجانی در زمان تدوین

اشاعه‌ی مواد مخدر در میان ملیت‌های تحت ستم و به ویژه در کردستان، غارت آثار تاریخی و زیرخاکی، تشکیل ارگان‌های نظامی و اطلاعاتی موازی که به طور خودسرانه اقدام به بازداشت و کشتار مردم می‌کنند، قتل‌های زنجیره‌ای و ده‌ها مورد دیگر داشته باشیم که در تمامی آنها مغز پوسیده‌ی رفسنجانی، طراح جنایت‌ها بود. آنچه که در پایان بایستی مورد اشاره قرار گیرد، نقش رفسنجانی در حفظ رژیم جمهوری اسلامی است. گرچه اختلاف عمیق بر سر سهمشان از تاراج سرمایه‌های کشور و کنترل منابع قدرت میان رفسنجانی و خامنه‌ای بروز نمود و در ارگان‌های مختلف رژیم بازتاب یافت، لیکن همواره بقای رژیم برای آنان یک نقطه‌ی اشتراک بود و همین امر بود که رفسنجانی را وادار می‌کرد با وجود این که همچنان از قدرت اقتصادی و اطلاعاتی فراوانی برخوردار بود و نیروی شبهه‌نظامی خاص خود را نیز دارا بود، با این حال، خامنه‌ای بخش عظیمی از قدرتش را از وی سلب نموده و حتی پسر و دخترش را که در تاراج ثروت‌های کشور همدست پدرشان بودند، به زندان انداخته بود، لیکن علیرغم تمامی اینها، باز هم رفسنجانی برای بقای رژیم جمهوری اسلامی همان گونه که خامنه‌ای در پیامش اشاره نموده است، علاقه‌ی منحصر بفردی به وی داشت. در واقع، رفسنجانی ستونی بود که چنان تندروری و استبداد خامنه‌ای را توجیه می‌کرد که جهانیان تصور کنند می‌توان به تعامل با جمهوری اسلامی روی آورد! مرگ رفسنجانی شاید این ابزار مهم فریبکاری و ریا را از جمهوری اسلامی سلب نماید و ماهیت حقیقی جمهوری اسلامی یک بار دیگر برای جهانیان آشکار شود. بدین ترتیب، اگر زندگانی رفسنجانی را ستونی برای بقای رژیم و تداوم جنایات آن در نظر بگیریم، نابودی این ستون نیز در آینده تأثیرات خاص خود را بر رژیم خواهد داشت. امیدواریم که سایر سران این رژیم در یک دادگاه عادلانه‌ی مردمی مورد محاکمه قرار گیرند و پرونده‌ی تمامی جنایات آنان برای مردم رو شده و به سزای اعمال ضد بشری خویش برسند.

حزب دمکرات کردستان ایران
دفتر سیاسی
۲۱ دیماه ۱۳۹۵
۱۰ ژانویه ۲۰۱۷

مهم جمهوری اسلامی بود که در مقاطع حساسی همچون دوران پس از حکم دادگاه دادگاه می‌کونوس یا پس از تحریم‌های بین‌المللی شدید علیه رژیم در رابطه با پرونده‌ی هسته‌ای آن، راه فریبکاری و نیرنگ را به سران رژیم نشان داد تا در پس نقاب‌هایی همچون گفتگوی تمدن‌ها یا دولت تدبیر، به جهانیان بگویند که در درون رژیم یک خط مشی پراگماتیست و میانه‌رو وجود دارد و بدین گونه دريچه‌ای برای نجات رژیم از تنگناها بگشایند و در حقیقت، سکندار رژیم در عبور از تنگناها بود تا بر عمر رژیم جنایت‌پیش‌دهی جمهوری اسلامی بیفزاید. بدون تردید در این بیانیه نمی‌توان تمامی کارنامه‌ی ملامال از جنایت، ریا و فریبکاری و اقدامات ضد بشری رفسنجانی را برشمرد، لیکن می‌توانیم اشاره‌ای مختصر به نقش رفسنجانی در تشکیل دادگاه‌های به اصطلاح انقلاب که ده‌ها هزار نفر را اعدام نمودند، نقش رفسنجانی در شورایی پنج‌نفره که پس از جنگ ایران و عراق کشور را اداره می‌کردند، لیکن نخستین کار آنان کشتار زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ بود، نقش رفسنجانی در

که بعدها دادگاه آلمان، هاشمی رفسنجانی را به عنوان یکی از آمران اصلی ترور معرفی نمود. عملیات تروررستی علیه مرکز یهودیان در آرژانتین از دیگر پرونده‌های رفسنجانی است که هنوز به فرجامی نرسیده و دستور بازداشت و دستگیری وی در این رابطه نیز صادر شده است. برگ دیگری از کارنامه‌ی سیاه رفسنجانی عبارتست از تاراج سرمایه‌های کشور تحت پوشش سازندگی که پس از جنگ ایران و عراق یک باند مافیایی مخوف را بنیان گذاشت و تمامی سرمایه‌های کشور را چه آن زمان و چه در حال حاضر بلعیده و رنج و فلاکت مردم ناشی از همین غارتگری‌هاست که رفسنجانی، خامنه‌ای و سایر سران رژیم مرتکب می‌شوند. رفسنجانی در این میان، نقش راهنمای آنان را در امر یادگیری غارت و چپاول ایفا می‌نمود. در دوران ریاست جمهوری وی بود که سپاه پاسداران و اطلاعات اجازه یافتند که تحت لوای کار اقتصادی و از این طریق، هم سرمایه‌های کشور را چپاول کنند و هم تحت پوشش شرکت‌ها و مؤسسات اقتصادی، به اقدامات تروررستی بپردازند. رفسنجانی از ستون‌های عمده و

اصطلاح انقلاب و نیروهای اطلاعاتی و سازمان‌های نظامی و شبه‌نظامی دیگر رژیم که خمینی مسئولیتشان را به او واگذار کرده بود، به تعقیب فرزندان مبارز و آزادیخواه ملیت‌های ایران می‌پرداخت و در این زمینه نیز پرونده‌ای قطوراز جنایت و توحش از خود بر جای گذاشت. نام رفسنجانی در نزد آزادیخواهان و اکثریت مردمان جامعه یادآور شقاوت، بی‌رحمی، کشتار، یتیم کردن کودکان و بیوه کردن زنان و داغدار کردن مادران است. رفسنجانی که پس از جنگ و به دنبال مرگ خمینی، هشت سال رئیس جمهور رژیم بود، علاوه بر کشتار و اعدام و سر به نیست کردن آزادیخواهان و حق‌طلبان در داخل کشور، کارنامه‌ی سیاه و قطوری در زمینه‌ی ترورهای خارج از کشور نیز داشت. در دوران وی واحدهای ویژه‌ی ترور در داخل سپاه پاسداران و سپاه قدس تشکیل شدند که می‌توان به ترور دکتر قاسملو و همراهانش در اتریش و بر سر میز به اصطلاح مذاکره را می‌توان برشمرد که شخص رفسنجانی مسئول اصلی آن توطئه بود. همچنین از ترور دکتر شرف‌کنندی و یارانش در برلین آلمان نیز باید یاد کرد

قانون اساسی، نقش اصلی را در فریبکاری‌ها و تحریفات موجود در آن ایفا کرد و با به یغما بردن دستاوردهای انقلاب، جامعه‌ی قانونی متحجرانه و مستبدانه به تن آن کرد. در هنگام تأسیس مجلسی -که تماماً از معناتهی شده بود- به نام مجلس شورای اسلامی، رئیس دو دوره‌ی اول و دوم آن بود. رفسنجانی در تعیین جانشین خمینی نقش اصلی را ایفا کرد که طی آن خامنه‌ای جنایتکار را به رهبری رژیم رساند و خود نیز پست ریاست جمهوری را ایران و ملیت‌های محصور در این سرزمین را به سرنوشتی تاریک و مملو از کشتار و سرکوب و حبس و اعدام و آوارگی و... دچار ساختند. رفسنجانی همچنین در سال‌های زمامداری خمینی، معاون فرمانده کل قوا بود. این بدان معناست که خمینی تمامی اختیارات نظامی را به او داده بود تا جنگ با عراق را اداره کند، جنگی که ارمانی جز ده‌ها هزار کشته و معلول و اسیر و مفقودالانرا چیز دیگری را برای ملیت‌های ایران در پی نداشت. در همان سال‌ها نیز بود که رفسنجانی با استفاده از نیروهای بسیج، سپاه، ارتش و کمیته‌های به

مرگ یک جلاد دفورمیست

روویان داوۀ. لئسیدارەدان و طوللەبارانکردنی زیندانیانی سیاسی، ئالشتیکردن لئەعلی خامنەیی ض لئەکانی سەركۆماریی ناوبراودا و ض لئەکانی دیاریکراویدا وەکوو رییەری رێدیم، لئەکردهوکانی رفسنجانی بۆ جێگیرکردنی رێدیمی توتالیتیری کۆماری ئیسلامی ئێران. تیرۆری رییەرانئ ئۆتۆزیسیونئ رێدیم لئەدەرەوی ئێرانیش کئ زۆریەتی هەرەزۆریان لئەسەردەمی سەروک کۆماریی ئتودا روویان دا و هەرەوۀها قەتلە زنجیرەییەکان لئەذیر دەسلالت و رێنویینی ناوبراودا بووۀ!

این اقدامات باعث شد که غیر از خود رژیم و دستگاه‌های وابسته به آن، هیچ گروه و جریان دیگری برای سازماندهی توده‌های مردم در ایران باقی نماند، زیرا رفسنجانی عملاً تمامی احزاب و شخصیت‌های دگراندیش را در ایران از بین برده و دیگر حزبی نمانده بود که مردم را سازمان دهد و هوادارانی برای خویش داشته باشد. "هنگامی که وفاداری به گروه‌ها از بین می‌رود، جامعه‌ی رمهوار سر بر می‌آورد". آنچه که امروز در ایران مشاهده می‌کنیم، جامعه‌ای است که در غیاب احزاب و سازمان‌های مستقل به شکل جامعه‌ای رمهوار درآمده که بر اثر سرکوب‌های رژیم شکل گرفته است.

اینک مشاهده می‌کنیم که رژیم توانسته است با بیرون راندن و انحلال سایر احزاب و سازمان‌ها، در درون یک اپوزیسیون صوری برای مردم پتراشدا زندانیان سیاسی و رهبران زندانی از جنس خویش برای مردم بسازدا! میرحسین موسوی و کروبی که از جنس خود رژیم هستند و در دهه‌ی نخست عمر رژیم (که اغلب جنایات رژیم در آن دهه روی دادند) از مقامات بلندپایه‌ی رژیم بودند، تبدیل به رهبران زندانی اپوزیسیون! شده‌اند، شعار مردم در راهپیمایی‌ها به جای آزادی و دموکراسی تبدیل به "یا حسین، میرحسین" شده است، دوران انقلاب فرهنگی و سرکوب و کشتار دگراندیشان، "دوران طلایی امام" نام می‌گیرد! رفسنجانی که مسئول کورە‌ی ذوب دگراندیشان بود، تبدیل به پشتیبان خواست‌های مردم می‌گردد، خلخال‌ی اصلاح‌طلب می‌شود! حسن روحانی که در زمان انجام تمامی این ترورها و جنایات، از بلندپایه‌ترین مقامات امنیتی رژیم بوده است، یکشبه تبدیل به "میانەرو" شده و اقدام به انتشار منشور حقوق شهروندی می‌کند!

حمایت از سرکوبگران جامعه، صرفاً در جوامع رمه‌وار روی می‌دهد! که مسبب شکل‌گیری چنین جامعه‌ای در ایران، فقط هاشمی رفسنجانی بوده است. از همین رو، فقدان رفسنجانی در درازمدت ضربه‌ی مؤثری بر پیکر رژیم خواهد بود. زیرا رژیم، مغز مهندسی جامعه‌ی رمه‌وارش را از دست داده و در درون رژیم هیچ کس دیگری برای ایفای چنین نقشی پس از وی وجود ندارد. علاوه بر این، رفسنجانی نقطه‌ی اتصال جناح‌های رژیم به یکدیگر بود که با از بین رفتن این نقطه، توازن قوا میان جناح‌های رژیم بر هم خواهد خورد و رژیم دستخوش بحران خواهد شد.



بمب گذاری در آرژانتین

رستوران میکونوس برلین و مرکز یهودیان بوینوس آیرس (آمی)، شاهدانی بر جنایات رفسنمانی

ایدئولوژی توتالیتاریستی خود نیازمند افراد قس‌القلبی همچون رفسنجانی بود. زیرا در واقع انقلاب سال ۱۹۷۹ ایران را آخوندها به تنهایی انجام ندادند، بلکه تمامی احزاب و سازمان‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی با هر گونه ایدئولوژی و خط مشی خاص خویش در آن مشارکت داشتند! در چنین وضعیتی که پلورالیسم سیاسی در آن به چشم می‌خورد، یک گروه صرفاً با عبور از میان نهر خون است که می‌تواند حکومتی توتالیتئر تشکیل دهد! زیرا در این مسیر با مقاومت و واکنش دیگر طرف‌ها مواجه خواهد شد. از همین رو، جمهوری اسلامی برای تأسیس حکومت دلخواه خویش نهری از خون در ایران به راه انداخت و تمامی دگراندیشان و مخالفان خویش را قلع و قمع نمود. لئەماوێ ئەم نزیک بە ضوار دەقیەیدا سەلمێراوۀ کئ تیمی رەفسەنجانی لئەهەموو جینایەتەکاندا کئ بە جێگیربوونی رێدیمی ئێستانی ئێران دەستی ئێکرد، بەشدار بووۀ! رەفسەنجانی کئ ئەندامی ئەنجومەنی شۆرشئ ئیسلامی بوو، ئەم ئەنجومەنئ لئە ۱۵ جۆزەردانی ۱۳۵۹وۀ زانستەکانئ داخست و شۆرشئ فەرھەنطیی بە مەبەستی راوانانی ماموستا و خوێندکارە جیابیرەکان دەست ئئ کرد و ئیدئولوژیئ ئیسلامییان بە سەر زانستەدا سەئانند. ناوبراو لئە درێژەدان بە شتەری ئێران و عێراقدا دەستیکی بالای هەبووۀ کئ مەبەستی لئو کارەش سەروکتی ئێبارانی رێدیم لئە ناوخۆئ ئێراندا بوو. هەر لئە تیرۆرەکانئ ناو دەژطای حکوومەتەوۀ بطرە تا دەطاتە قەلاژۆکردنی حیزەکانئ ئێران و شتەری کوردستان و ناوژەکانئ دیکەئ ئێران، لئەم ماوۀێدا

برخوردار باشد و هیچ چیز نتواند قدرت آن را محدود کند و رفتارها و تصمیمات آن برای روشنفکران و رمه‌ها غیر قابل پیش‌بینی باشد، آن گاه می‌توان گفت که این حکومت توتالیتئر است".

این مشخصه‌ی رژیم‌های توتالیتئر است که می‌کوشند تا انسان‌ها را به گونه‌ای سازمان دهند که تنوعات و تفاوت‌های نامحدود آنان از بین برود و تمامی انسان‌ها را به صورت یک فرد منزوی دربیابورد. این خواست زمانی امکان تحقق می‌یابد که تمامی افراد به گونه‌ای دگرگون شوند که در برابر کنش‌های خاص، واکنش‌های واحد و مشابه از خود نشان دهند! نخستین گام برای استیلای همه‌جانبه، کشتن شخصیت حقوقی در انسان‌هاست که از طریق آن، از یک سو سلب حمایت قانون از برخی افراد و از سوی دیگر تشکیل گروه‌هایی از مردم که مشمول قوانین نمی‌شوند و اقدامات آنان جنبه‌ی فراقانونی دارد عملی می‌گردد! گام مهم دوم، کشتن شخصیت اخلاقی در انسان‌هاست! توتالیتاریسم از راه ایجاد وضعیتی که در آن وجدان تأثیرگذاری خویش را از دست می‌دهد و امکان انجام کارهای خوب باقی نمی‌ماند، توانست همدستی آگاهانه و سازمان‌یافته‌ی تمامی انسان‌ها را در جنایات سیستم توتالیتئر گسترش دهد! نمونه‌ی این ویژگی، سرکوب جنبش کرد است که حکومت و جامعه‌ی رمه‌وار، بانی و عامل آن هستند و جامعه جنایات رژیم را تأیید می‌کند!

حال به بحث از هاشمی رفسنجانی می‌پردازیم.

رژیم جمهوری اسلامی که متعاقب ربودن و به انحراف کشاندن یک انقلاب روی کار آمد، برای استقرار

عقاید متنوع، سلیقه‌ها و شیوه‌های گوناگون زندگی و سرکوب دگراندیشان منجر می‌گردد. به اعتقاد کارل فردریش و زییگنیو برژینسکی، حکومت‌های توتالیتئر دارای شش ویژگی هستند که عبارتند از:

- این حکومت‌ها بر مبنای ایدئولوژی شکل می‌گیرند.
- در این کشورها تعدد احزاب وجود ندارد و کشور عملاً به صورت تک‌حزبی اداره می‌شود و اداره‌ی سیاسی کشور، تبلیغات اجتماعی، فرهنگی و آموزشی بر عهده‌ی همان حزب است. رهبری این حزب کاملاً در دستان یک شخص واحد قرار دارد. رهبری این حزب یا مستقیماً بر عهده‌ی خود رهبر اقتدارگرای کشور و یا بر عهده‌ی یک شخص مورد اعتماد رهبر اقتدارگراست.
- حکومت برای دفاع از خود در برابر خیزش‌های درونی و حملات بیرونی، از یک نیروی نظامی تروریستی برخوردار است.
- تمامی ابزارهای تبلیغاتی و رسانه‌های جمعی یا در انحصار حکومت هستند و یا از سوی حکومت کنترل می‌شوند.
- دولت هیچ فرد یا جریان مسلحی را در کنار خویش تحمل نمی‌کند.
- اقتصاد در این کشورها به گونه‌ای متمرکز از سوی حکومت هدایت می‌شود. به عبارت دیگر اقتصاد در این کشورها دولتی است.
- ژوان لینز و آلفرد استپان طی مبحثی تکمیلی این شش نکته را مطرح می‌کنند که: "هرگاه رژیمی توانست پلورالیسم سیاسی، اقتصادی و اجتماعی موجود را کاملاً از بین ببرد و از یک ایدئولوژی آرمانشهری شفاف و منحصر بفرد پیروی کند و از توان سازماندهی گسترده و نیرومند و یک رهبر کاریزماتیک

مبتنی بر منفعت عمومی است یا در داخل احزاب سیاسی و تشکل‌های صنفی و کارگری سازمان یابند. پیامد عضوگیری جنبش‌های توتالیتئر از میان رمه‌ها این است که اغلب اعضای آنان افرادی هستند که پیشتر در عرصه‌ی سیاست فعال نبوده‌اند و این امر باعث بی‌تفاوتی آنان در قبال انتقادات مخالفان سیاسی جنبش توتالیتئر می‌شود. هدف جنبش‌های توتالیتئر، سازماندهی رمه‌هاست که یان رمه‌ها نیز پیامد و محصول فروپاشی ساختار طبقاتی است. در نتیجه‌ی این فروپاشی، افراد دچار سرگردانی می‌شوند و دیگر دارای هیچ گونه مناسبات، منافع و هویتی نخواهند بود. از دیدگاه هانا آرنت، مهمترین ویژگی جنبش‌های توتالیتاریستی این است که به سرعت فراموش می‌شوند. این ویژگی در رابطه با نوع آوازه‌ی رهبران این جنبش‌ها بیشتر مصداق می‌یابد. این ویژگی ناشی از تزلزل رمه‌هاست. لیکن اشتباه است اگر به خاطر این ویژگی از یاد ببریم که رژیم‌های توتالیتئر تا زمانی که در قدرت هستند و رهبران توتالیتئر تا زمانی که زنده هستند، تا پایان کارشان همچنان از حمایت رمه‌ها برخوردارند.

به طور کلی، یک سیستم توتالیتئر می‌کوشد تا ایدئولوژی خویش را بر واقعیت تحمیل کند و بر مبنای همین ایدئولوژی در تمامی زمینه‌ها دخالت نماید. این ایدئولوژی، مجموعه‌ای از باورهای سیاسی – مذهبی جامع است که همگان بایستی بدان پایبند باشند. بر اساس این ایدئولوژی، رژیم توتالیتئر در کلیه‌ی جوانب زندگی فردی و اجتماعی مداخله می‌کند. بدین ترتیب، عملاً جنبه‌های خصوصی و غیر سیاسی زندگی را از میان می‌برد، این امر به نابودی

جمیل کلاهی

ترجمه: سلام اسماعیل‌پور

روز ۱۹ دیماه، علی اکبر هاشمی رفسنجانی، از ستون‌های اصلی رژیم جمهوری اسلامی درگذشت. وی کسی بود که در تمامی جنایات جمهوری اسلامی از ترور و سرکوب تا اعدام، حبس و ده‌ها جنایت دیگر نقش عمده‌ای ایفا می‌نمود و از سوی دو دادگاه آلمان (میکونوس) به خاطر ترور رهبران حزب دمکرات کردستان ایران و آرژانتین (آمی) به خاطر انفجار مرکز یهودیان، حکم جلب بین‌المللی برایش صادر شده بود. در رابطه با نقش رفسنجانی در این جنایات‌ها سخن بسیار گفته شده و بسیار شنیده‌ایم، از همین رو در این مقاله از ذکر آنچه که پیشتر گفته شده خودداری نموده و به تشریح جوانبی می‌پردازیم که پیشتر یا مورد بررسی قرار نگرفته و یا کمتر در دایره‌ی بررسی‌ها قرار گرفته است.

گرچه رفسنجانی یکی از جانبان استثنایی تاریخ بشریت بود، لیکن از هنگام مرگ وی تلاشی برای تقدیس وی جریان است. این تلاش از سوی بخشی از نخبگان و اپوزیسیون رفسنجانی و حتی برخی از مخالفان رژیم جریان دارد!

همزمان در داخل ایران نیز برای رفسنجانی بزرگترین عزاداری پس از عزاداری برای مرگ خمینی برگزار شد! در اینجا سؤال این است که چرا چنین وضعیتی در ایران پیش آمده است که مردم شیفته‌ی سرکوبگر و جلاد خویش شوند؟ به عبارت دیگر، دلیل ابتلای مردم ایران به سندروم استکهلم چیست؟ نقش رفسنجانی در شکل‌گیری چنین جامعه‌ای چیست؟

پاسخ به این سؤال، نیازمند توضیح پیرامون نوع سیستم سیاسی ایران به عنوان یک حکومت توتالیتئر است. اما چگونه یک حکومت توتالیتئر سبب شکل‌گیری وضعیتی می‌شود که ما را به چنین سوالی واداشت. یک رژیم توتالیتئر، رژیمی است که تمامی فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را تحت کنترل و نظارت خویش درمی‌آورد. در چنین نظام‌هایی قدرت سیاسی از سوی یک حزب قبضه می‌شود و هر گونه نظارت آزادانه‌ی جامعه از میان برده می‌شود، از ترور برای سرکوب مخالفان استفاده می‌شود و تلاش می‌شود تا جامعه در قالب یک ایدئولوژی حزبی خاص، یکدست شود. حکومت توتالیتئر که در یک جامعه‌ی رمه‌وار تشکیل می‌شود، با از بین بردن بنیان‌های جامعه‌ی مدنی، سنت‌های سیاسی، حقوق جامعه و رمه‌ای کردن طبقات جامعه، زمینه را برای شکل‌گیری جامعه‌ی رمه‌وار مهیا‌تر می‌کند. توتالیتاریسم از طریق ایدئولوژی، به دو شیوه جامعه‌ی مدنی را در هم می‌شکند و زمینه را برای ایجاد جامعه‌ی رمه‌ای فراهم می‌کند:

نخست از طریق برهم زدن مناسبات میان انسان‌ها و دوم از طریق بر هم زدن درک انسان‌ها از واقعیات. رمه به مردمی گفته می‌شود که بدان علت که چیزی غیر از مجموعه‌ای افراد بی‌هویت و بی‌تفاوت نیستند و نمی‌توانند در درون یک سازمان که

نامه‌ای که نویسندگان‌ش نیز از آن شرم دارند



سلام اسماعیل‌پور

اخیراً انتشار نامه‌ای خطاب به خامنه‌ای، رهبر رژیم جمهوری اسلامی با امضای مجهول "جمعی از فعالان کردستان" که خواسته‌اند نامشان فاش شود، در شبکه‌های اجتماعی و وبسایت‌ها، واکنش‌های متفاوتی را برانگیخت. آنچه که مرا به نگارش سطورى در این باب واداشت، نه اهمیت خود نامه یا نویسندگان آن، بلکه تلاشی است که از سوى برخی جریانات شناسنامه‌دار برای تطهیر تلاش‌های توسعه‌طلبانه‌ی رژیم ایران در منطقه آن هم در پوشش‌های موجهی همچون "دفاع از حقوق ملت کرد" جریان دارد.

متن نامه ضمن یادآوری تحولات منطقه که رژیم‌های اشغالگر کردستان را در سراسیمی سقوط قرار داده است، خطاب به "جناب آقای خامنه‌ای" ادعا می‌کند که: "منافع درازمدت ایران و ملت کرد درعراق و سوریه... از نظر ما نیازمند تعامل و همسویی با همدند". با توجه به این که منافع درازمدت ملت کرد در کردستان ایران ماهیتاً نمی‌تواند همسو با منافع رژیم تحت امر خامنه‌ای باشد، این بند از نامه می‌خواهد بگوید که منافع ملت کرد در عراق و سوریه در جهتی کاملاً مخالف با منافع مردم کردستان ایران قرار دارد. از آنجا که دغدغه‌ی نویسندگان نیز به ادعای خودشان مسأله‌ی کرد می‌باشد، پُر واضح است که از دیدگاه آنان در ایران چنین مسأله‌ای وجود خارجی ندارد و این یعنی آن که گرچه نام نویسندگان مجهول می‌باشد، اما آدرس‌های موجود در نامه حتی از پلاک منزل نویسندگان نیز روشنتر و آشکارترند. نویسندگان که مدعی هستند به طور مشخص نگاه آنان تغییر رویکرد مثبت حاکمیت ایران به مسأله‌ی کرد است، معتقدند که: "این مهم بطور غیرمستقیم نیز از قلم برخی کارشناسان امور منطقه‌ای داخل نظام دیده میشود. رویکردی که در صورت همراهی با آن جایگاه ایران را در منطقه و جهان تثبیت خواهد نمود". معلوم نیست این کارشناسان امور منطقه‌ای رژیم که معتقد به لزوم تغییر رویکرد مثبت به مسأله‌ی کرد هستند تا حالا کجا بوده‌اند و ذره‌بین آقایان چگونه چنین موجوداتی را کشف نموده که تابحال هیچ احدی، نه از داخل رژیم و نه از بیرون آن، نتوانسته آنان را با چشم غیر مسلح مشاهده کند. در بخش دیگری از نامه آمده است که: "اینک پروژه خاورمیانه نوین رقم خورده و کلنگ آن در سوریه زده شده است. ایران به تنهایی و

با کمک جریانات هزینه‌بردار در لبنان، سوریه و یا... قادر به رویارویی با آن نیست. تجربه نیز نشان داده است که در نهایت سخن غربی‌ها به کرسی خواهد نشست". معنای این بند آن است که پروژه خاورمیانه نوین که می‌تواند به استقلال دو بخش از کردستان بیانجامد، بخودی خود از نظر نویسندگان نامه نه یک فرصت، بلکه یک تهدید است که با توجه به قدرت غرب، ایران بیهوده سعی دارد با کمک اقمار منطقه‌ای خود (جریانات هزینه‌بردار) سد راه آن شود و پیشنهاد نویسندگان این است که جناب آقای خامنه‌ای به جای این سیاست، سعی کند با استفاده از مزدوران بی مواجب (جریانات بی هزینه) که از نظر آنان می‌تواند جریاناتی در این دو بخش از کردستان باشد، به جای رویارویی، به کنترل و مدیریت ماجرأ به نفع خویش بپردازد، یعنی استقلال محنوم ملت کرد منجر به بردگی نوینی در زیر عیای خامنه‌ای شود. تردیدی نیست که اگر جریانی در این دو بخش از کردستان بخواهد در چهارچوب سیاست مورد نظر نویسندگان نامه عمل کند، نیازمند آن است که در قبال این لطف جناب آقای خامنه‌ای، به این رژیم در مهار و سرکوب مبارزات برحق مردم کردستان ایران و جنبش رهایی‌بخش آن که اینک در قالب گفتمان "راسان" رژیم را به چالش کشیده است، یاری برساند. چرا که با توجه به عدم موضوعیت مسأله‌ی کرد در ایران از نظر آنان، هر گونه مبارزه و جنبشی از سوی ملت کرد در این بخش کردستان نیز موضوعیت و مشروعیت پیدا نخواهد کرد. در بخش دیگری از نامه می‌خوانیم که: "سؤال این است که آیا ایران با حفظ روابط با ترکیه می‌خواهد بر ساختار پوسیده خاورمیانه پای فشارد یا با انتخاب کردها خود را با پروژه حتمی خاورمیانه نوین همراه سازد؟ سؤال دیگر اینکه چرا اروپا برای رهایی از مخاطره کشور بزرگی چون

یوگسلاوی، آن کشور را به چند کشور کوچک تقسیم کرد اما ایران از همچون مدلی پیروی نمی‌کند. آیا تعامل با کشورهای کوچکتر بهتر از تعامل با کشورهای بزرگ و دردسرساز نیست؟...استقلال کردستان اگر از اهمیت ژئوپلیتیکی ترکیه می‌کاهد اما به اهمیت ژئوپولیتیکی ایران می‌افزاید بنابراین مشخص نیست چرا ایران برخلاف جریان آب شنا می‌کند؟" کل این متن نشان می‌دهد که نویسندگان نامه به تنها چیزی که فکر نمی‌کنند وجود بخشی به نام کردستان ایران یا همان روزه‌لات و وجود مسأله کرد در ایران است. از دید آنان ایران باید به تجزیه ترکیه و عراق و سوریه کمک کند تا خود تبدیل به تنها کشور بزرگ منطقه شود. این یعنی اینکه حق تعیین سرنوشت ملت کرد در کردستان ایران امری مذموم و بیهوده است و در دغدغه‌های این فعالان محلی از اعراب ندارد. زیرا جدایی احتمالی این بخش از کردستان، به ژئوپولیتیک ایران و گستره‌ی خلافت آقای خامنه‌ای ضرر می‌زند و شگفتا که چنین کسانی دم از یافتن راهی برای تأمین حقوق ملت کرد می‌زنند و در دلسوزی برای حوزه‌ی ژئوپولیتیک یا همان دامنه‌ی اشغالگری و توحش و ویرانگری رژیم ایران دایه‌ی مهربانتر از مادر می‌شوند و به ولی فقیه مرتجع تهران یادآوری می‌کنند که ما به عنوان یک جریان بی‌هزینه (مزدور بی مواجب) بهتر از جریانات هزینه‌برداری مانند حزب‌الله لبنان و سایر مزدوران منطقه‌ای شما و بلکه از خود شما بهتر به تحقق مالیخولیای ام‌القرایی جهان اسلامتان کمک می‌کنیم. در جای دیگری از نامه می‌فرمایند: "از نظر ما فرصتی تاریخی برای ایران فراهم گشته تا ابتکار عمل را به دست گیرد، خود را با پروژه خاورمیانه جدید همراه کند و خاورمیانه نوین را مدیریت کند". اینجاست که دم خروس هویدا

می‌شود و معلوم می‌شود که دغدغه‌ی اصلی نویسندگان نامه نه استقلال دو بخش از کردستان، بلکه قبول مدیریت خاورمیانه از سوی ایران و به دست گرفتن ابتکار عمل از سوی جناب آقای خامنه‌ایشان است تا شاید در سایه‌ی آن به نان و نوایی برسند. در جای دیگری از نامه ضمن تلاش برای تحریک خامنه‌ای در جهت اردوغان، می‌نویسند: "آقای خامنه‌ای، حتما به یاد دارید که آقای رجب طیب اردوغان شخص شما را نشانه گرفتند و گفتند یک ملای دینی در تهران نشست و منطقه را به آتش کشیده است". از حق نگذریم اردوغان در هر موردی که سخن ناصواب گفته باشد، این یک مورد را کاملاً درست گفته، ولی معلوم نیست که چرا آقایان مبارز از بیان این حقیقت چنین به خود می‌پیچند؟ در بخش بعدی می‌خوانیم: "اگرچه در چند سال گذشته دولتمردان ترک به خشونت عریان علیه کردها شدت بخشیده‌اند، اما نباید از این واقعیت چشم پوشید که چرخش در رفتارهای سیاسی مقامات ترک مسبوق به سابقه است و هر زمان ممکن است دولت ترکیه رفتار خود را نسبت به کردها تغییر دهد و همچنان که به ساختار سیاسی کردستان عراق اعتراف نمودند، برای رهایی خود و در مقابل توسط شاه اردن کمربند شیعی نام گرفته برنامه‌ریزی کنند و نباید احتمال تحریک جریانات داخلی را از ذهن دور پنداشت". مضمون این سخن این است که از نگاه نویسندگان نامه، این که ترکیه با چرخش در رفتارهای سیاسی‌اش، برای رهایی خود در مقابل ایران، به پذیرفتن استقلال این دو بخش از کردستان تن دهد، از نگاه آنان یک خطر است و می‌تواند زیان‌هایی را متوجه هلال شیعی ایران نماید. یعنی این که

هلال شیعی برای آنان نقشی محوریتز از استقلال کردستان سوریه و عراق دارد و استقلال این دو بخش از کردستان از نظر آنان صرفاً ابزاری برای خدمت کم‌هزینه به نفوذ ژئوپولیتیک رژیم ایران است. نکته‌ی اساسیتر این نامه (که جوهره و روح اصلی نامه می‌تواند باشد)، آنجاست که در پایان همین پاراگراف به رژیم ایران هشدار می‌دهند که به توجه به چرخش مسبوق به سابقه در رفتار دولت ترکیه نسبت به حقوق ملت کرد در کردستان عراق و احتمالاً سوریه، "نباید احتمال تحریک جریانات داخلی را از ذهن دور پنداشت". این یعنی نویسندگان نامه از احتمال حمایت ترکیه از جریانات داخلی ایران (که بدون هیچ تردیدی در ارتباط با کردستان منظور آنان جنبش راسان است) به شدت در هراسند و آن را یک خطای نابخشودنی می‌دانند که ایران بایستی جهت مقابله با آن تمهیدات لازم را ببیند. در خاتمه نیز ناصحان مشفق جناب آقای خامنه‌ای که پیداست شدیداً شیفته و مرعوب توهمی شده‌اند که همپای رژیم ایران، آن را اقتدار منطقه‌ای ایران می‌خوانند، به مصداق شعار معروف بچه حزب‌اللهی‌ها "ای رهبر آزاده، آماده‌ایم آماده" و "وای اگر خامنه‌ای حکم جهادم دهد..." می‌نویسند: "از نظر ما حمایت از پروژه استقلال کردستان عراق و سوریه به تقویت منافع ایران در نظام تحت امر شماس‌ت، می‌انجامد و اگر در چند دهه گذشته برای حفظ منافع خود در منطقه هزینه بسیاری متحمل شده‌اید، در صورت قبول اراده کردها با کمترین هزینه به اقتدار منطقه‌ای خود خواهید افزود". و در پایان ضمن چشم بستن بر تمامی جنایات خامنه‌ای و رژیمش علیه مردم کردستان ایران و خون‌هایی که در مسیر حق‌طلبی ملت کرد در این بخش از کردستان به دست مزدوران رژیم و تحت امر

کردستان

خامنه‌ای ریخته شده‌اند، به عنوان وکیل تسخیری مردم کردستان به رهبر رژیم وعده می‌دهند که موارد فوق:"خارج از دستاوردهای منطقه‌ای و بین‌المللی برای کشور شما، به نفرت و بدبینی تاریخی میان کردها و ایرانیان (رژیم ایران) نیز پایان خواهد داد". بدون شک اگر نویسندگان نامه از این بیان خود مطمئن بودند، نام خود را در پشت عنوان "جمعی از فعالان کردستان" پنهان نمی‌کردند و شجاعت آن را در خود می‌یافتند که در برابر دوربین افکار عمومی کردستان بدون نقاب بایستند. لذا بجاست که از آنان پرسیده شود، اگر به راستی انگیزه و دغدغه‌ی شما از راندن قلم بر صفحه‌ی چنین نامه‌هایی، پیگیری حقوق ملت کرد و یافتن راه‌های نوین (نه راه هزاران بار رفته‌ی مزدوری و لودگی برای اشغالگران کردستان) بوده است، لطف کنید و دفعه‌ی بعدی با چراغ و بدون نقاب وارد شوید تا مردم کردستان خادمان خود را بهتر بشناسند.

ادامه سخن

نقشی هم تراز و هماهنگ با هم خواهند داشت. به گونه‌ای که در این مرحله از مبارز[ای رهایی بخش ملتمان، پیشمرگه سمبل مقاومت و نیروبخشی‌ست و "شار" خاستگاه خیزش و قیام و رودروشدن با دشمن است و کردهای مقیم خارج نیز حامی پیشمرگه و صدای "راسان" کردستان در دنیای خارج خواهند بود. "شار" در این مقطع از مبارزه، که گامی نو و آزمونی جدیدی خواهد بود، تنها نقش حامی را ایفا نمی‌کند، بلکه باید مرحله به مرحله نقش اصلی در مبارزه را بر عهده بگیرد و به مرکز خیزش و مقاومت بدل شود. شهر زیستگاه تمام اقشار جامعه است و قیام ملی-دمکراتیک کردستان نیز نیازمند حضور همه آنهاست. به همین خاطر است که دشمن غاصب درصدد است تا "شاخ" و "شار" را از هم جدا کند و شاخ را به جزیره‌ای دورافتاده و جدا از واقعیت‌های جامعه تبدیل کند و نهایتاً بر شهر کنترل کامل پیدا کند. "راسان روزه‌لات" خنثی کردن توطئه‌های دشمن غاصب است که قصد دارد شهر را به زانو درآورد و شاخ را به بند بکشد. رفتار انقلابی و هدفدار تمام اقشار و طبقات کردستان که با هدف شکستن سحر و طلسم دشمنان اراده و مقاوم که خواهان زندگی سرافرازانه‌ای هستند، نیاز اصلی این مقطع از قیام بر حق و روای ملتمان است که در این میان پیشمرگه به مانند سمبل و نماد مبارزه، ازخودگذشتگی و نیروبخشی می‌تواند حامی اصلی "شار" باشد.

زاگرس و بلوط، دو سمبل جاودانگی و رستاخیز کوردستان

شریف فلاح

ترجمه: شهرام میرزائی

نام کهن و باستانی زاگرس، "کور" بوده که براساس افسانه‌های سومری به رشته کوه‌هایی در شرق سومر اشاره دارد. همچنین "کور" نام دیگر امپراطوری "آکد" می‌باشد که بر بخش عظیمی از خاک زاگرس حکمروایی می‌کردند. برخی بر این باورند که زاگرس در اصل، کلمه‌ای زرتشتی‌ست که "زاگر" به معنای "کوه بزرگ" است. اما نام و اصطلاح زاگرس تقریباً از هشت دهه پیش و با ترجمه آثار پژوهشی اروپائیان در ایران رواج یافت. چنان که می‌گویند "حسن پیرنیا" برای اولین بار نام زاگرس را در اثری از خود به نام "تاریخ ایران، از آغاز تا سقوط ساسانیان" به کار برده و بر این امر تأکید کرده است که اروپائیان نیز این منطقه را بدین نام می‌شناسند. زاگرس بافت به طور کلی ۱۱ استان ایران در حوزه‌ی زاگرس قرار گرفته است، که شامل "ارومیه، سنندج،

زاگرس، مجموعه کوه‌های درهم تنیده‌ای‌ست که از شمال‌غربی ایران تا به جنوب‌غربی آن کشیده شده است، رشته کوهی که از کناره‌های دریاچه وان آغاز و با گذر از استان‌های ارومیه، سنه، کرماشان، ایلام، همدان، لورستان، مرکزی، اصفهان، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویر احمد و بخشی از خوزستان، در نواحی جنوبی ایران به پایان می‌رسد. از زاویه‌ی تاریخ شکل‌گیری زندگی انسانی، زاگرس جایگاه ویژه‌ای داد. به گونه‌ای که آثار متعددی از اجتماعات بشری طی ۱۰۰ هزار سال پیش تا شکل‌گیری اولین یکجا نشینی در جهان در این منطقه از کره‌ی خاکی یافت شده. بخشی از جهان هستی ما که امروزه آن را "روزه‌لات کردستان" می‌نامیم. معنای لغوی زاگرس



کرماشان، همدان، ایلام، لورستان، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد، بخشی از خوزستان، بخشی از اصفهان و بخشی از اراک" است و از لحاظ پوشش گیاهی درختان خودروبی چون بلوط، بخش اعظمی از جنگل‌های این سرزمین را تشکیل می‌دهند و از این لحاظ ایلام به عنوان مرکز و قلب زاگرس محسوب می‌شود.

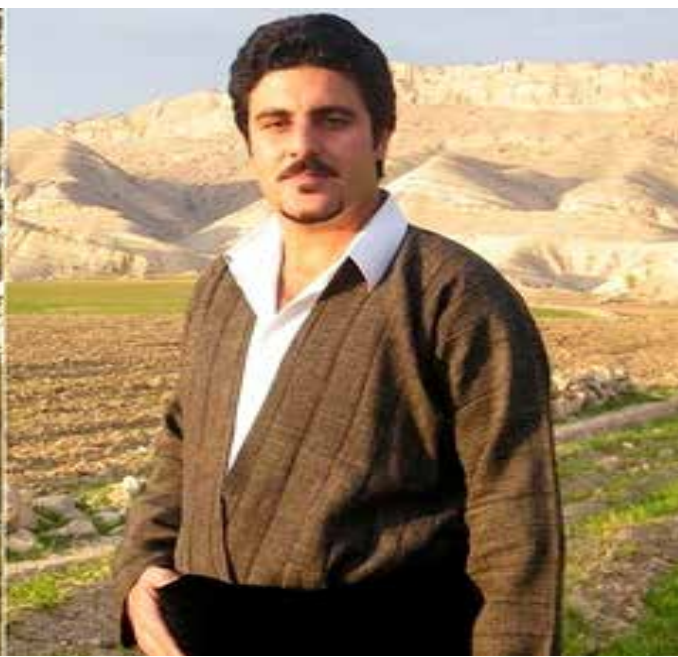
ایران، علی‌الخصوص در کوردستان و بختیاری است. در دانشنامه "لاروس" بصورت کوتاه به زاگرس به عنوان منطقه‌ای نفت خیز و دارای منابع گسترده‌ی زیرزمینی اشاره شده است. هرودت نیز در نوشته‌های خود نام زاگرس را برگرفته از قومی بنام "ساگارتی" می‌داند. براساس منابع مذکور می‌توانیم بگوئیم که زاگرس در اصل نامی زرتشتی است که یونانیان با اضافه کردن حرف "س" به آن حالتی یونانی داده‌اند. در واقع نام زاگرس، همانند کلمه بختیاری، هم می‌تواند نام کوه، قلعه، قوم و عشیره و طایفه و منطقه باشد. زاگرس و بلوط در فرهنگ و ادب کوردی زاگرس و بلوط در فرهنگ کوردی دارای بار معنایی عمیق و ژرفی‌ست که به استحکام، مقاومت، جاودانگی و نامیرایی اشاره دارد. زاگرس در فرهنگ کوردها به معنای پناهگاه و حامی، اوج و صعود و شکوه است.

کوردها نام زاگرس را بر فرزندان خود می‌گذارند و در دنیای مدرن امروز نیز به نام روزنامه، مجله، سایت، تلویزیون و ... بدل شده است. بلوط به درازای تاریخ وسیله‌ای برای استمرار حیات کوردها بوده و به عنوان یکی از سرچشمه‌های تداوم حیات به آن نگریسته شده است. بلوط که از دل سنگ‌های زاگرس سر بر می‌آورد، درختی‌ست سرسخت، مستحکم و مقاوم که به آسانی تن به شکستن نمی‌دهد. بلوط در نزد کوردها نمادی از تسلیم نشدن، مقاومت و ایستادگی، پایداری و جاودانگی است. به همین خاطر کوردها در وصف خود از بلوط بهره می‌برند و آنرا به نمادی از پایداری، رویش و رستاخیز ملت و قیامشان تبدیل کرده‌اند. به همین جهت است که شاعران و هنرمندان کورد مستمراً در شعر و ادب شفاهی و کتبی کوردستان این دو مفهوم در هم تنیده را همچون سمبل و نماد به کار می‌برند.

دو فعال فرهنگی کرماشان در ترکیه ربوده شدند

اطلاع دقیقی از وضعیت و مکان بازداشت آنان به دست آورند. حسن بلده، فعال فرهنگی ساکن شهرستان "شاه‌آباد" از توابع کرماشان است که هدفش از حضور در ترکیه، ادامه تحصیل در سطح "فوق لیسانس" اعلام شده است. سجاد جهانفرد نیز از فعالین فرهنگی ساکن "گیلان غرب" از توابع کرماشان می‌باشد، که طی سال‌های اخیر توانسته است در سطوح مختلف فرهنگ و ادب کردی به فعالیت بپردازد. خانواده این فعالین طی نامه‌ای از سازمان و نهادهای بین‌المللی خواسته‌اند که در راستای مشخص شدن سرنوشت فرزندانشان از هیچ کوششی دریغ نکنند.

نیروهای امنیتی ترکیه دو فعال فرهنگی کرماشانی را در شهر ماردین ربوده‌اند که تا این لحظه هیچ اطلاعی از سرنوشت این فعالین در دست نیست. بر اساس گزارش آژانس خبررسانی کُردپا، در اواسط ماه جاری دو فعال کرماشانی، ساکن شهرستان‌های گیلان غرب و شاه‌آباد- به نام‌های "سجاد جهانفرد" و "حسن بلده" توسط نیروهای امنیتی ترکیه در شهر ماردین ربوده شده‌اند. براساس گزارش این منبع خبری، خانواده‌های این فعالین از طریق چند نویسنده‌ی کرد ترکیه، از سرنوشت فرزندان‌شان آگاه شده‌اند. لازم به ذکر است که خانواده افراد مذکور نتوانسته‌اند هیچ



تراژدی اعدام بر کُردستان سایه افکنده است

اهل کرماشان که به خاطر اعتراف دیگران به اعدام محکوم شده بود، در زندان مرکزی کرج اعدام گردید. حداقل از ۱ ژانویه تا ۲۰ جولای سال ۲۰۱۶ ۲۵۰ نفر در ایران اعدام شده‌اند که بطور میانگین روزانه در ایران یک نفر اعدام می‌شود. اگرچه قوه مجریه روی اعدام‌ها و زندان‌های ایران کنترل مستقیم ندارد، اما دولت یازدهم در مورد بهبود وضعیت حقوق بشر وعده‌هایی داده بود که تاکنون در زمینه اجرای آنها موفق نبوده است.



جاری، اعدام یک شهروند دیگر کرد به نام محمد سلیمانی

با حضور جمعی از مسئولین امنیتی-قضایی رژیم ایران در شهر کرماشان، دو شهروند کرد اهل شهرستان‌های سقز و جوانرود در زندان دیزل‌آباد به دار آویخته شدند. به گزارش آژانس خبررسانی کُردپا، سحرگاه روز ۲۵ دیماه، حکم اعدام دو شهروند کُرد در زندان مرکزی کرماشان به مورد اجرا گذاشته شد. شبکه حقوق بشر ایران، هویت اعدام شدگان را "سیف‌الله حسینیان" ۳۳ ساله فرزند ابراهیم اهل سقز و "توفیق بهرام‌نژاد" ۳۱ ساله فرزند قاسم اهل جوانرود اعلام کرده است. در همین رابطه نیز، اوایل هفته

توهین به زبان و فرهنگ کُردها واکنش هنرمندان کرد را در پی داشت

گفت: "هنر دوبله برای نزدیکی زبان‌ها و فرهنگ‌ها به یکدیگر است و نباید اجازه داد که با هنر دوبله، فرهنگ و زبان اقوام مختلف به سخره گرفته شود". او در ادامه افزود: "متأسفانه امروز شاهدیم که در فضای مجازی برخی افراد نابخردانه اقدام به دوبله و صداگذاری بر روی برخی انیمیشن‌ها می‌کنند که در واقع هدف اصلی آنها چیزی جز تخریب هویت قومیت‌ها نیست". همچنین اردشیر موسوی به جایگاه زبان و فرهنگ هر ملت در نزد گویشوران آن پرداخت و تأکید کرد که: "زبان و فرهنگ هر

توهین‌های مستقیم و غیرمستقیم به فرهنگ و زبان کوردها در نهادهای رسمی و غیررسمی ایران هر ساله اعتراض و واکنش عمومی مردم کُردستان را در پی داشته است. اردشیر موسوی، از فعالین حوزه‌ی فرهنگ و ادب کُردی، طی مصاحبه‌ای که با خبرگزاری حکومتی "ایسنا" داشت، شدیداً فعالیت‌های به اصطلاح هنری را که با هدف تخریب وجهه‌ی ملی کُردها انجام می‌شود، مورد نقد و نکوهش قرار داد. موسوی در این مصاحبه به ویژه به هنر دوبله پرداخت و در رابطه با توهین به ملیت‌های ایران

توهین‌های مستقیم و غیرمستقیم به فرهنگ و زبان کوردها در نهادهای رسمی و غیررسمی ایران هر ساله اعتراض و واکنش عمومی مردم کُردستان را در پی داشته است. اردشیر موسوی، از فعالین حوزه‌ی فرهنگ و ادب کُردی، طی مصاحبه‌ای که با خبرگزاری حکومتی "ایسنا" داشت، شدیداً فعالیت‌های به اصطلاح هنری را که با هدف تخریب وجهه‌ی ملی کُردها انجام می‌شود، مورد نقد و نکوهش قرار داد. موسوی در این مصاحبه به ویژه به هنر دوبله پرداخت و در رابطه با توهین به ملیت‌های ایران

KURDISTAN

Organ of the Central Committee of Democratic Party of Iranian Kurdistan - No 693 - 19 Jan 2017

روزنامه ی «کوردستان» و وب سایت های حزب دمکرات کوردستان ایران
در شبکه جهانی اینترنت

www.kurdistanmedia.com
info@kurdistanmedia.com

<http://www.pdkl.org>
pdkiran@club-internet.fr
[telegram.me/PDKImedia](https://t.me/PDKImedia)

KURDISTAN



۲ بهمن ماه نمادی برای خیزش ملی

